

و در اصطلاح دیدن ذوات است به قوه ایمان که تمام آنها ساخته شده خداوند .

و یقین را سه مرتبه است :

۱ - علم الیقین : علم الیقین عبارت است از آنچه که حاصل می شود از فکر و نظر .

۲ - عین الیقین : عین الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از دیدن و معاینه کردن .

۳ - حق الیقین : حق الیقین عبارت است از آنچه که حاصل میشود از اجتماع هر دو (فکر و دیدن) .

مرتبه اول عوام علماء را ، دوم خواص علماء و اولیاء را و سوم انبیاء علیهم السلام را است .

مگر تمام مومنین در نفس معرفت و یقین برابر میباشند

نوت :

۱ - می‌شناسیم خدا جل جلاله را به معرفت حق اش طوریکه به آن ما را مکلف ساخته است و چنانچه خود را صفت کرده است به تمام صفات ^{خوشه} و آنچه از اسماء نیک او در قرآن کریم و حدیث شریف ثابت شده است .

۲ - قدرت نداریم بمعرفت ذات خدا ^{چنانچه} حاجت
گفته میشود « مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ » (نه شناخته ایم ترا به
شناسائی حق تو) .

۳ - معرفت و اطاعت خدا ^{چنانچه} حاجت از طریق شریعت لازم است .

کلام ، حیات ، قدرت ، خالقیت و تمام صفات کمال .
متصف است .

رسالت : رسالت عبارت است از آنچه که انبیاء علیهم السلام از
جانب خداوند ج آورده اند .

خداوند ج ، حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را به تمام عرب و عجم ،
جن و انس مبعوث گردانید و شریعت او را بر جملة شرایع دیگر برگزیده
و او صلی الله علیه و سلم را بر تمام انبیاء علیهم السلام فضیلت
و برتری داده و سردار تمام بشر ساخته

است . پس تنها عقده لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شخص مؤمن نمیشود تا که
با آن مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ را قبول نکند بنابراین هر دو جمله کلمه

۱ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

۲ - مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ بنا بر اولین اسلام است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 سوره ابراهيم آیه ۱۰

دلائل عقلی بوجود خدا ج

شما گردان عزیز ! اگر به مدرسه خویش متوجه شوید، درین مدرسه
 اطاق ها، دروازه ها، کلکین ها و دیگر اشیا را دیده می توانید.
 اگر شما گفته شود که این خشت و سنگ خود بخود با هم یکجا
 و دیوار از آن ساخته شده یا اینکه دروازه ها و شیشه ها خود بخود
 ساخته شده، میز و چوکی که شما بر آن نشسته اید و درس میخوانید
 خود بخود بدون بنجار ساخته شده است. یا این مدرسه بدون کدام

مهندس و معمار به این نظم و ترتیب بمیان آمده، آیا شما این
سخن تصدیق و عقیده خواهید نمود؟ نه! هرگز نه. چرا که دروازه
میز، چوکی بدون نخل و مدرسه بدون معمار موجود نمیشود پس هرگاه
یک تعمیر کوچک بدون نجار و معمار به میان آمده نمیتواند. چطور
آسمانها، زمین، آفتاب، مهتاب، آبها، حیوانات
و دیگر مخلوقات بدون پیدایش توسط یک ذات حکیم، خالق و صانع
بمیان آمده باشد؟

پس ثابت گردید که تمام موجودات در وجود خود به خالق و صانع
محتاج اند و خالق و صانع آنها ذات خداوند حکیم است.

دلیل امام اعظم ابوحنیفه ^{رح} بر وجود خدا جل جلاله
 می گویند در زمان حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله علیه شخصی
 بود که از وجود خداوند ج « انکار می نمود و میگفت که : (این
 مخلوقات خود بخود پیدا گردیده) حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله
 علیه و شخص مستکبر با هم وعده نمودند که فردا بوقت
 معین غرض مباحثه بجائی جمع خواهیم شد فردا حضرت امام اعظم
 ابوحنیفه رحمه الله علیه از وقتیکه آنرا تعیین نموده بودند قصداً
 اندکی دیرتر بجائی مباحثه آمد در حالیکه دهری و بسیار مردم در آنجا
 به انتظار او بودند .

دهری به امام اعظم رحمه الله علیه گفت چرا بوقت وعده شده نرسیدی ؟
 امام اعظم ^{رح} گفت : در وقت آمدن من در کنار دریای دجله ناگهان

درختی خود بخود ریشه شد، تخمه ها از آن ساخته و به ترتیب خوب با هم
 یکجا و یک کشتی ساخته شد. کشتی مذکور بدون کشتیان از
 دریای دجله می گذشت و خود بخود از طعام و متاع پر می شد و باز
 می گردید خود ایستاده و خالی می شد و باز رجوع میکرد بدون اینکه
 شخصی او را تدبیر می کرد من از واقعه مذکور بسیار تعجب نمودم و
 و در حیرت ماندم.

دهری در مقابل این سخن امام اعظم رح. با واز بلند خندیده گفت
 (این سخن محال است و امکان ندارد).

امام اعظم رح. فرمود: بگواهیک کشتی کوچک خود بخود ساخته
 نمیشود و از دریا گذشته نمیتواند، آیا این کارخانه بزرگ
 جهان چطور خود بخود بمیان خواهد آمد و باین نظم جریان خواهد داشت.

به شنیدن این سخن امام اعظم «رح» شخص منکر از وجود خداوند «ج» بطور ملامت گشت و همه حاضرین به او خندیدند و از وی نفرت نمودند.

تمرین

- ۱ - توحید عبارت از چه است ؟
- ۲ - رسالت را توضیح نمائید.
- ۳ - برای اثبات وجود خداوند «ج» یک دلیل عقلی بگوئید.
- ۴ - حضرت امام اعظم ابو حنیفه «رح» وجود خداوند «ج» را بکدام دلیل ثابت نمود ؟

صفات خداوند ج

صفات خداوند ج بدو قسم اند :

۱ - صفات ذاتی .

۲ - صفات فعلی .

صفات ذاتی : صفات ذاتی عبارت از آن صفاتی اند که خداوند ج به آنها متصف است و به ضد آنها موصوف نمیشود و از ذات او بیچگاه انفکاک نمی یابند مانند علم که ضد آن جهل است
صفات ذاتی خداوند ج هفت اند که قرار ذیل شرح میشوند :

۱ - حیات (زنده بودن) : این صفت خداوند ج، ازلی و قدیم است که او تعالی همیشه زنده بوده و می باشد و بضد آن

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِقْرَأْ يٰٓأَيُّهَا الْمُؤْمِنُ
سُورَةُ اِنشَاء ۱۳۸

ایمان

ایمان در لغت بمعنای یقین و باور کردن است . و در اصطلاح علم عقاید عبارت از « اقرار باللسان و تصدیق بالقلب » است یعنی اقرار کردن بربان و باور کردن بدل را ایمان میگویند .
مؤمن کسی را گویند که آنچه را آنحضرت « ص » از جانب خداوند « ج » آورده است بدل تصدیق و قبول نموده و بر زبان بحق بودن آن اقرار

که مرگ است موصوف نمیشود .

۲ - قدرت (توانائی) : خداوند «ج» قادر است به قدرت ازلی خویش بر هر آنچه که اراده کند آزا کرده میتواند مثلاً قدرت دارد که زنده را بمیراند و مرده را زنده کند . ضعف را قوی سازد و قوی را شکست دهد ، شخصی را مغفرت کند و شخصی را عذاب دهد و خداوند «ج» به ضد قدرت که عجز است موصوف نمیشود .

۳ - علم (دانستن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» علم است یعنی او تعالی عالم است به تمام موجودات و ذره در عالم هستی از علم او خارج نیست از اسرار دل‌های مردم با خبر است به نفاق منافق ، ایمان مؤمن ، جهاد مجاهد ، اخلاص بنده مخلص و خیانت خائن علم دارد و این صفت او تعالی نیز قدیم و ازلی است و بنده او موصوف نمیشود .

وَالْجَنَّةِ وَالْإِنْسِ الْكَافِرُونَ
 سورة الذاریات آیه ۵۶
 ترجمه: و از کافران و کافران

معرفت الله

تعریف معرفت : معرفت در لغت به معنی علم است .
 و در اصطلاح عبارت است از علم داشتن به اسماء و صفات
 الله جل جلاله با تصدیق نمودن خداوند "ج" در معادله اش .
تعریف یقین : یقین در لغت به معنی علمی است که بدو شک باشد .

-
- (۱) ترجمه مذکور حجت مناسب مقام از تفسیر روح البیان نقل کرده شده است .
 (۲) یعنی خداوند "ج" صادق می باشد در معادله خود بایندهاگان .

۶ - بصر (بینائی) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» بصر است یعنی خداوند «ج» بیننده تمام مخلوقات است و از دیدن وی هیچ چیزی پوشیده و سیر و نه نیست ، رفتار مورسیاه را در شب تاریک بر سنگ سخت می بیند اگر در شب تاریک دزدی یا گناه دیگر کند آزاری بیند و جزا میدهد ، و اگر کسی در شب تاریک جهاد کند و یا نماز تہجد بخواند آزار نیز نمی بیند و ثواب میدهد ، این صفت خداوند «ج» قدیم است و ضد آن عمی (نا بینائی) است که به آن موصوف نمیشود

۷ - اراده (خواستن و قصد کردن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» اراده است یعنی هر چیزی که بیداشده یا پیدا میشود به اراده اوست و هیچ چیزی در دنیا و آخرت ، از خیر ، شر ، خورد

کلان ، کم ، زیاد ، فایده و نقصان بدون اراده خداوند «ج» موجود
نمیشود .

صفات فعلی : صفات فعلی عبارت از آن صفاتی اند
که خداوند «ج» به آن متصف است و بعد از آنها هم موصوف میشود
مانند غضب که خدا آن رحمت است خداوند «ج» موصوف صفت
رحمت می گردد . و صفات فعلی خداوند «ج» زیاد است که بطور مثال :
۱ - **تخلیق (آفریدن) :** خداوند «ج» «سید الکتد» زمین ، آسمانها
جنت ، دوزخ ، شب ، روز و خالق تمام مخلوقات است
هر چیزی را که خداوند «ج» بخواند آید کرده می تواند و ضد تخلیق آید
نکردن است اگر خداوند «ج» «سید الکتد» چیزی را نخواهد آید آنرا
نمیکنند .

۲ - تزریق (رزق دادن) : یکی از صفات فعلی خداوند «ج»
تزریق است یعنی الله جل جلاله روزی دهنده تمام مخلوقات است
از روی حکمت و امتحان خویش شخصی را رزق و روزی زیاد میدهد و بر
دیگری رزق خود را کم می سازد که کدام یکی از آنها شکر گذاری نمایند
و کدام یکی ناشکری میکنند .

و خدا تزریق روزی ندادن است اگر خدا «ج» بخواند شخصی را
روزی ندهد میتواند و اختیار دارد .

۳ - احیاء (زنده نمودن) : یکی از صفات فعلی خداوند «ج» احیاء
است یعنی خداوند «ج» برزنده کردن هر چیز قادر است
و تمام چیزها شک در دنیا زندگی دارند به آنها الله جل جلاله حیات
داده است و تمام مردم را روز قیامت زنده می کند .

و ضد احیاء، إماتة (میرانیدن) است اگر الله ج «اراده میفرماید»
کسی را کند آزادی میرواند .

۴ - اعزاز (عزت دادن) : یکی از صفات فعلی خداوند ج «
اعزاز است هر که را بخواید عزت میدید و کسی را که خداوند عزت
دیده عزت او را هیچ کسی به ذلت تبدیل کرده نمیتواند .
و ضد اعزاز ، اذلال (خوار گردانیدن) است اگر شخصی الله ج «
ذلیل گرداند آنرا کسی عزت داده نمیتواند عزت و ذلت هر دو از
جانب خدا ج است .»

رَبِّیْ گِمْثِلَه شَیْءِ ج
 نیست مانند او (خدا «ج» پیروی
 سوره شوری آیه ۱۱

فرق بین صفات خالق و مخلوق

فرق بین صفات خالق و مخلوق اینست که تمام صفات الله تعالی ذاتی باشد یا فعلی، قدیم و ازلی اند و صفات مخلوق این چنین نیست بلکه مخلوق و صفات آن تماماً حادث و پدید آمده شده خدا «ج» اند. مثلاً خداوند «ج» عالم است، علم او مانند علم بندگان نیست زیرا که علم او تعالی قدیم، ازلی، محیط و غیر مخلوق است و علم مخلوق این چنین نیست بلکه علم آنها حادث

و پیدا کرده شده است «ج» است .

و علم خداوند «ج» بدون آلات و اسباب است و علم مخلوق
بدین گونه نیست .

همچنین تمام صفات الله «ج» با صفات مخلوق مشابهت ندارند
چنانچه ذات الله «ج» با ذات مخلوق مشابه نیست .

مترین

- ۱ - صفات ذاتی خداوند «ج» را تعریف نمائید .
- ۲ - علم از کدام قسم صفات الله «ج» است ؟
- ۳ - اراده را تعریف نمائید .
- ۴ - صفات فعلی الله جل جلاله را تعریف نمائید .
- ۵ - اعیان از کدام قسم صفات خداوند «ج» است ؟

خداوند ج جسم جو هر و عرض نیست

خداوند ج جسم نیست : زیرا جسم عبارت است از آنچه
که دارای طول ، عرض و عمق باشد .
و هر جسم تقسیم را قبول نماید و هر آنچه تقسیم را قبول ننماید محدث
(پیدا کرده شده) میباشد و هر محدث (پیدا کرده شده) محتاج
محدث (پیدا کننده) میباشد و احتیاج صفت مخلوق است نه صفت
خالق پس معلوم شد که خداوند «ج» جسم نیست .
خداوند ج جوهر نیست : زیرا که جوهر محل عوارض و حوادث
است و او تعالی ازین صفت که محل عوارض باشد منزّه است .

(۱) عبارت از آنچه که تقسیم به ذات خود باشد مانند لوح .

خداوند، عرض نیست :

زیرا که عرض عبارت است از آن چیزیکه بذات خود قائم نبوده بلکه در وجود خود محتاج به غیر میاشد و خداوند تعالی از احتیاج منزّه است .

خداوند، از جهت و مکان منزّه است

خداوند جل جلاله از جهت و مکان منزّه است زیرا هر آنچه را جهت و مکان باشد حادث می باشد و خداوند «ج» از حدوث منزّه است .

نوت : اقرار میکنیم که خداوند «ج» بر عرش استوی

بلاکیف کرده طوریکه به شان او تعالی مناسب است و اگر کرمه

(الرحمن علی العرش استوی) از آیت های متشابهات است یعنی

آیت هاییکه بر معنی آنها غیر از خداوند «ج» کسی دیگری علم ندارد .

اگر کسی زبان اقرار نماید مگر بدل تصدیق و قبول نکند مؤمن نیست بلکه منافق گفته می شود و همچنین معرفت «تصدیق در دل» به تنهایی بدون اقرار زبان ایمان گفته نمی شود .

و اگر مسلمانی به صدق و خلوص کامل ایمان دارد و دلش بر آن مطمئن باشد ولی از روی جبر و اکراه کلمه کفر را بر زبان جاری نمود چنین شخص کافر نبوده بلکه مؤمن است .

و مؤمنان در اصل ایمان باعتبار مؤمن^(۱) به مساوی اند زیرا که اصل ایمان زیادت و نقصان را قبول نمی نماید مگر نظر به اعمال بعضی آنست

(۱) امام همام رحمه الله فرماید که بزرگ را قبول کند و چنان کلمه را اظهار نماید .

(۲) آنچه که رسول صلی الله علیه وسلم از نزد خدا جل جلاله آورده است .

هَذَا كَانَ فِيهَا لِقَاءُ رَبِّهِمْ
 وَاللَّهُ لَفَتَنِيبًا
 سورة انبيا آیه ۲۲

خداوند چ مثل و شرک ندارد

خداوند چ، یکی است هیچ شرک و مثل ندارد، هیچکس مشابه
 و مساوی او نیست و نه کسی در مقابل او واقع است که با وی مقابله یا مخالفت
 خداوند چ، در قرآن کریم فرموده است (اگر بودی در آسمان و زمین
 معبودانی سوای خدا چ، هر آینه هر دو تباہ شدند).

و دلیل عقلی بر آن اینست: اگر عباداً بالله دو خدا می بود و یکی
 آنها اراده کردن یک کار را می کرد و دو هم به موافقت او مجبور

می بود پس واضح است که دهم عاجز و بی قدرت بوده و اگر
 فرض کنیم که دهم به مدافعه و مخالفت اول قادر می بود پس
 دهم قادر و غالب بوده و اول ضعیف و ناتوان و ذات ضعیف
 و ناتوان خدا نیست پس معلوم
 گردید که خداوند «ج» مثل و شرک ندارد . همچنین اگر عیاذاً باشد
 دو خدا باشد و هر دو اتفاق نمایند باز هم نظم و نسق دنیا برهم میخورد زیرا
 که امکان اختلاف موجود است و امکان اختلاف نیز منافعی
 الهیست می باشد .

تمرین

- ۱ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل جسم نیست ؟
- ۲ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل از جهت و مکان
منزه است ؟
- ۳ - خداوند جل جلاله بکدام دلیل مثل و شرک
ندارد ؟

لَا يَصْنَعُونَ اللَّهَ مَا يُفَعِّلُونَ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ
 سوره التحریم آیه ۶
 نافذ می کنند خدا را را آنچه فرموده است ایشان را و میکنند آنچه میسر می آید و آنچه را که امر می نمایند.

ملائکه

یکی از اموری که مسلمان باید به آن ایمان داشته باشد وجود ملائک است. ملائک اجسام نورانی اند که به اشکال مختلفه متشکل میشوند، هرگز خداوند «ج» را نافرمانی نمیکنند به مرد بودن وزن بودن متصف نیستند از جمله فرشتگان چهار فرشته مقربند

۱ - حضرت جبرئیل علیه السلام ۲ - حضرت میکائیل علیه السلام

۳ - حضرت عزرائیل علیه السلام .

۴ - حضرت اسرافیل علیه السلام .

وطائف عہد ملائکہ

جبرائیل علیہ السلام : وحی رساندن بہ پیامبران .

میکائیل علیہ السلام : روزی رساندن بہ مخلوقات .

عزرائیل علیہ السلام : قبض کردن روح مخلوقات .

اسرافیل علیہ السلام : دمیدن در صور .

باد میدن اول در صور روح ہمہ موجودات زندہ قبض میشود .

بالفحہ صور دوم روح ہمہ آنها بہ بدن شان باز می گردد .

بعضی از فرشتگان به پاسداری انسانها و
 برخی به نوشتن اعمال انسانها مصروف میباشند . برای
 هر انسان دو فرشته موظف اند ، یکی از ایشان اعمال
 و دیگری اعمال ناشایسته او را در دفتر تحمل نامه اش ثبت
 می کند .

عهده از فرشتگان باستقبال نیکوکاران در بهشت -
 وعده به تعذیب گنهکاران در دوزخ مصروف اند .

تشرین

- ۱ - ملائک کدام قسم اجسام اند ؟
- ۲ - ملائک مقرب چند اند نام هر یک را بگوئید
- ۳ - وظائف عهده ملائک مقرب را شرح دهید .
- ۴ - برای نوشتن اعمال هر انسان چند ملائک مقرر است

کتاب آسمانی

ما ایمان داریم که همه کتاب ها و صحیفه ها سیکه از طرف
خداوند بج "توسط جبرئیل امین" ع به پیغمبران نازل
گردیده حق اند.

تمام کتاب منزل آسمانی یکصد و چهار اند که از آنجمله چهار کتاب
مشهور و صد صحیفه اند.

چهار کتاب مشهور:

- ۱ - تورات .
- ۲ - زبور .
- ۳ - انجیل .
- ۴ - قرآن عظیم الشان .

تورات به موسی علیه السلام ، زبور بحضر داود علیه السلام
انجیل بحضرت عیسی علیه السلام قرآن عظیم الشان بحضرت محمد صلی الله
علیه وسلم نازل شده اند .

و صد صحیفه قرآن ذیل به انبیاء علیهم السلام نازل گردیده اند :
ده صحیفه به حضرت آدم علیه السلام ، و پنجاه صحیفه بحضرت شیت
علیه السلام و سی صحیفه به حضرت ادریس علیه السلام و ده صحیفه به حضرت
ابراہیم علیه السلام نازل شده اند .

ایمان و باور داشتن به تمام کتابها و صحیفه ها یکم از طرف الله ج نازل شده
بدون کدام فرق ضروری و لازمی است و قرآن کریم ناسخ جمله کتابها
و صحیفه های سابقه است و عمل تنها به قرآن کریم کرده میشود .

قرآن کریم

قرآن کریم در اصطلاح شرع شریف کلام خداوند «ج» است که از طرف الله «ج» بواسطه حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نازل گردیده در مصاحف نوشته گردیده شده و در دلها حفظ گردیده و بطریق تواتر بدون شک و شبهه با رسیده.

کلام بی از صفات ذاتی خداوند «ج» است و قرآن مجید کلام

۱، قرآن در لغت؛ قرآن در لغت به دو معنی آمده است اول بمعنی ضم و جمع در صورت قرآن (مصدر مبنی للمفاعله) بمعنی جمع کننده سورت ها است. دوم بمعنی قرائت در صورت قرآن (مصدر مبنی للمفعول) بمعنی خوانده شده و تلاوت کرده شده میباشد.

نفسی خدا «ج» و قایم به ذات او تعالی است. ولی کلمه هائیکه ما
 آنرا بزبان می آوریم و نقش هائیکه بر روی صفحه کاغذ نوشته و یا
 چاپ میشوند و یا کلمه هائیکه از قرآن مجید بگوش خود می شنویم
 مخلوق بوده و کلام نفسی خداوند «ج» نیستند زیرا که کلام نفسی
 صفت خداوند «ج» بوده و قدیم است.

ترتیب نزول قرآن کریم

قرآن کریم ابتداء از لوح محفوظ باسمان در شب قدر مجموعاً نازل گردیده
 و از آسمان دنیا نظر بصورت قطعه قطعه در ظرف ۲۳ سال
 بواسطه جبرئیل علیه السلام بر محمد صلی الله علیه و سلم
 نازل شده است. آیت هائیکه قبل از هجرت نازل گردیده آنرا آیت های مکی
 و آیت هائیکه بعد از هجرت نازل شده آنرا آیت های مدنی میگویند.

تشرین

- ۱ - کتابها و صحیفه های آسمانی توسط کدام ملک بر پیغمبران نازل گردیده ؟
- ۲ - تعداد تمام کتابها و صحیفه های آسمانی چند است ؟
- ۳ - چهار کتاب مشهور آسمانی را نام بگیرید.
- ۴ - قرآن کریم را تعریف کنید.

بر بعضی دیگر فضیلت دارند و اعمال در ایمان داخل نیست و مؤمن
 به کردن گناه گناہی نمی شود اگر چه گناه کبیرہ باشد بلکه بکردن گناه
 کبیرہ گناه کار و فاسق می گردد و اگر آنرا احلال بداند کافر شمرده میشود

(۱) و عن انس رضی قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم : ثلث من اصل الایمان —
 — الکف عن قال لا الہ الا اللہ لا تکفرہ بذنوب ولا تحرجہ من الاسلام
 بعمل و ابجداد ماض منذ بعثنی اللہ الی ان یقاتل اخریہ الامۃ الدجال لا یبطلہ جوہ جار
 ولا عدل عادل و الایمان بالاقدار رواہ ابو داؤد .

پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم فرموده اند : سه چیز از اصل ایمان است .
 ۱ - عدم تعرض به کسیکه میگوید : لا الہ الا اللہ کافر مگو و او را به گناه کردن و
 خارج مکن او را از اسلام بیک عمل (به عمل بدی) .

۲ - و جہاد جاری است از وقتیکہ مبعوث گردانندہ مرا خدا ج . تا آن زمانیکہ
 جنگ می کند آخر امت با دجال و باطل نمیکند آنرا ظلم ظلم و عدل عدالت
 کننده .

۳ - و ایمان است به تقدیرات خدا ج .

مشرك، ملحد، منافق، زندیق، مرتد، دهری

مشرك :

مشرك آنرا گویند که با خدا هیچ چیزی را در ذات یا صفات او شریک ننماید .

ملحد :

ملحد آنرا گویند که از دین حق به کفر میلان ننموده باشد

منافق :

منافق آنرا گویند که به زبان اظهار اسلام را نماید و بدل کافر باشد .

زندقہ (۱)

زندقہ آرا گویند کہ منکر وجود یا حکمت ذات واجب الوجود
 بوده یا برای او تعالیٰ شریک ثابت کند و یا بقای دہر قائل
 اموال و ناموس مردم را شہ یک پنداشته بہ آن معتقد باشد
 ولی این عقیدہ خویش را پنهان نموده در خطا ہر مدعی اسلام و درجامہ
 مسلمین خود را مخفی مینماید .

(۱) اگر مسلمان خدا ناخواستہ زندقہ گردد اگر خود یا اختیار خویش مسلمان گردد بدون آنکہ مسلمان
 او را بگزیند ایمان باورد درینصورت توبہ آتش مقبول و مؤمن است احکام مالاش جاری میگردد
 در صورتیکہ خود مسلمان نشدہ باشد مسلمانان او را بگزیند و بعد از دستگیری شدن توبہ نماید توبہ چنین شخص
 قبول نیست باید کشتہ شود . ناگفتہ نمائد توبہ این چنین اشخاص در امور دنیوی قایل قبول نیست
 اما در امور اخروی نزد خداوند تعالیٰ این توبہ ہم مقبول است در صورتیکہ از اخلاص قلب باشد .

مرتد :

مرتد کسی است که قبلاً مسلمان بود و سپس از دین اسلام برگردد .

دهری :

دهری کسی را گویند که به حقانیت اسلام قائل نبوده و خود شیء را به علل مادی نسبت داده و از وجود صانع محترم منکر باشد .

تمهین

- ۱ - مشرک را تعریف نمایند .
- ۲ - ملحد کدام شخص را میگویند ؟
- ۳ - مرتد را تعریف نمایند .
- ۴ - زندیق را تعریف نمایند .

بخش

فقه

فهرست مضامین فقه

شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۰
۲	نماز قضائی	۳
۳	تمرین	۵
۴	نماز خوف	۶
۵	تمرین	۸
۶	نماز کسوف و خسوف	۱۰
۷	تمرین	۱۱
۸	نماز استسقاء	۱۳
۹	تمرین	۱۴
۱۰	نماز تھجد	۱۵
۱۱	تمرین	۱۶
۱۲	نماز استجاره	۱۷
۱۳	تمرین	۱۸
۱۴	نماز تسبیح	۲۰

شماره	عنوان	صفحه
۱۶	تعریف روزه و حکم آن	۲۱
۱۷	فضیلت های روزه	۲۱
۱۸	دیدن ماه رمضان	۲۲
۱۹	معذرت های شرعی افطار و روزه	۲۴
۲۰	شکسته های روزه	۲۷
۲۱	قضای روزه	۳۰
۲۲	کفاره روزه	۳۲
۲۳	تہمین	۳۳
۲۴	اعتمکاف	۳۴
۲۵	شرایط صحت اعتمکاف	۳۵
۲۶	تہمین	۳۶
۲۷	شہید	۳۷

منار قضائی

قضاء : قضای عبارت است از تسلیم نمودن مثل شی لازم شده به مستحقش. مثلاً خواندن نماز بعد از وقتش.

قضائی نماز فرض، فرض، از واجب، واجب و از بعضی سنت ها سنت است.

ترک نمودن فرض و یا واجب بدون کدام عذر شرعی گناه بزرگ است
اگرچه قضائی آن آورده شود و حکم سنت مؤکده قریب واجب است
اگر به فراموشی و یا خواب از شخص مکلف نماز
قضاء شود باید بعد از بیداری و به یاد آمدن بدون درنگ قضائی
آنرا بجا آورد معطل نمودن قضائی بدون معذرت شرعی
گناه دارد.

اگر سنت نماز صبح با فرض آن یکجا قضا شده باشد قضائی
هر دو قبل از زوال خوانده می شود و بعد از آن سنت صبح قضائی
ندارد تنها فرض خوانده می شود و اگر سنت صبح بدون فرض قضا
شده باشد خواندن آن قبل از طلوع آفتاب مکروه و بعد
از آن مکروه نیست .

نیت نماز قضاء : نیت کردم که بجا آرم قضائی نماز صبح
یا قضائی نماز عصر فلان روز را به سرگاه از کسی نمازهای
بسیار قضا شده باشد برای او همچنین نیت کردن که : من قضائی

ترتیب در بین نماز قضائی وقتی همچنان ترتیب بین نمازهای قضائی لازم است درحالات ذیل ترتیب ساده میگردد ۱. بنگل وقت
۲. فراموشی ۳. رسیدن بعد نمازهای فوتی بخشش پس اگر ادا کند فرض نماز را یاد دارنده نماز
فوتی اگرچه فوتی و ترش با فرض او فاسد میشود به فساد موقوفه یعنی به برآدن وقت نماز
پنجم از نمازهای که خوانده باشد پس از نماز فوتی که از یاد دارد صحیح میشود تمام نمازهای او

نماز صبح یا قضائی نماز عصر را میخوانم درست نیست .
مگر برای کسانی به این قسم نیت کرده می تواند که : نیت
کرده ام که بجا آورم نماز اول عصر یا نماز آخر عصر را که قضاء آن
بر من لازم است .

متمم

- ۱ - قضاء چه را گویند ؟
- ۲ - قضائی نماز فرض چه حکم دارد ؟
- ۳ - ترک نمودن فرض و یا واجب بدون کدام
عذر شرعی چه حکم دارد ؟
- ۴ - نیت نماز قضاء چگونه می شود ؟
- ۵ - اگر از کسی نمازهای بسیار قضا شده باشد
چه قسم نیت کند ؟

بما ر حوف

خوف به معنی ترسیدن است و نماز خوف عبارت است از
نمازیکه در وقت سختی ترس از دشمن یا از درنده و غمیره
بطریق خاص اداء کرده میشود .

ترتیب نماز خوف : یکتعداد از مجاہدین در مقابل دشمن
ایستاده شوند و تعداد دیگر با امام یک رکعت نماز را اداء
نمایند در صورتیکه نماز دو رکعتی باشد و دو رکعت ادا کنند
در صورتیکه نماز چهار رکعتی یا نماز شام باشد این مجاہدین در
مقابل دشمن پره نمایند و آن تعدادیکه در پره داری بودند به
عقب امام اقتدا نمایند و امام باقیمانده نماز را بایشان اداء کند
در آخر امام تنها سلام دهد و این تعداد به پره خویش دوباره
برگردند و جماعت اولی پره را ترک گفته باقیمانده نماز خویش را
از نیکه لاحق اند به تنهایی بدون قرائت ادا نمایند و بعد در مقابل

وَقَالَ اخذنا نبيك من بني آدم من ظنوا بهم ذريعتهم واستقدموا على القسم الكسبي
 سورة اعراف ١٧٢

ایمان فطری و ایمان کسبی

وقتیکه خداوند «ج» آدم «ع» را آفرید و زیه وی را از پشتش مانند مورچه های کوچک خلق نمود به ایشان خطاب فرمود : آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه بیک آواز گفتند : آری بیشک تو پروردگار ما هستی که این اقرار را (عهد میثاق) میگویند .

۱۱) و چون گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم «ع» از پشت های ایشان اولاد ایشان را و گواهی گردانید ایشان را بر نفسهای شان گفت : آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری هستی گواشیم تا نگویید روز قیامت بدستی که بودیم از این پیغمبران .

دشمن پیره نمایند جماعت دوم با قیامده نماز خویش را
 به تنهایی با قرائت ادا کنند زیرا که ایشان مسبوق اند
 و اگر ترس و بیم از دشمن زیاد شد در این صورت نماز را در حالت
 سوار بودن به هر طریقی که قدرت پیدا کنند به اشاره ادا نمایند .
 نوبت :

۱ - نماز خوف بدون حضور دشمن روا نیست .

۲ - حمل سلاح در وقت اداء نماز خوف مستحب است .

۳ - اگر در داخل نماز دشمن جنگ نمایند نماز ایشان فاسد میشود .

تمرین

- ۱ - نماز خوف عبارت از کدام نماز است ؟
- ۲ - ترتیب نماز خوف چگونه است ؟
- ۳ - آیا نماز خوف بدون حضور دشمن رواست ؟
- ۴ - آیا حمل سلاح در وقت اداء نماز خوف
جواز دارد ؟
- ۵ - اگر در نماز با دشمن جنگ نماید حکم آن نماز
چیت ؟

نماز کسوف و خسوف

کسوف تاریک شدن آفتاب و خسوف تاریک شدن مهتاب
رامیگویند .

هرگاه تمام یا قسمتی از آفتاب تاریک شود و در روشنی
آن نقصان آشکار رخ دهد سنت است که امام جمعه به مردم
دو رکعت نماز را بجماعت بدون اذان، اقامت، جهر و
خطبه در اوقات غیر مکروهه ادا نماید و دراز کردن قرائت،
رکوع، سجده و ادا نمودن آن در مسجد جامع یا عید گاه
مستحب است پس از نماز امام دعاء نماید و مردم آمین گویند
تا که آفتاب روشن گردد . اگر امام جمعه حاضر نبود نماز را به تنهایی
ادا نمایند .

اگر تمام یا قسمتی از ماه خسوف (ماه گرفتگی) شود و در روشنی آن

نقصان آشکار رخ دهد سنت است که مردم بدون جماعت
 در هر جائی که قدرت داشته باشند دو رکعت نماز
 بگذارند .
 مانند نماز تاریکی سخت روز و وزیدن باد شدید .

تمت

- ۱ - کسوف و خسوف را تعریف نمائید .
- ۲ - حکم نماز کسوف را بیان دارید .
- ۳ - نماز خسوف کدام نماز را گویند ؟
- ۴ - طریقه اداء نماز خسوف را واضح نمائید .

نماز استسقاء

استسقاء در لغت بمعنی طلب کردن آب از غیر و در شریعت طلب کردن باران از الله جل جلاله بطریق خاص — (نماز خواندن و استغفار و غیره) است .

هرگاه در یک جای خشک سالی و قحطی رود مستحب است که مسلمانان آن جای تا سه روز برای استسقاء در لباسهای کهنه و پیوندی یا خشوع ، تواضع و تقدیم صدقات بصرایرانند و نیز مستحب است که جهت جلب رحمت خدا جل جلاله سال خوردگان ، اطفال و چارپایان را با خود به صحرا ببرند .

ترتیب نماز استسقاء : بنزد امام اعظم رحمه الله علیه نیست که امام و مردم بدون جماعت دو دو رکعت نماز ادا نمایند و پس از نماز امام رو به قبله ایستاده و مردم رو بروی قبله نشسته باشند و تمنا

دستهای خویش را به دعا^(۱) بلند نموده و بادعای امام مردم
آمین گویند .

نوت :

- ۱ - اهل ذمه را با خود از رفتن منع نمایند .
- ۲ - در مکه مکرمه اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مسجد
حرام و در بیت المقدس در مسجد اقصی و در مدینه منوره در مسجد
نبوی صلی الله علیه وسلم کرده شود و چار پایان بدروازه های
مسجد مذکور ایستاده کرده شوند .

دعا^(۱) استسقاء : اللهم اسقنا غيثاً مغيثاً مريعاً نافعاً غير ضارٍ عاجلاً غير آجلٍ .
و همچنین : اللهم اسق عبادك وبهائلك والنشر حمتك وأخي بلدك الميّت

تمرین

۱ - استسقاء در لغت و شریعت عبارت از چه است ؟

۲ - نماز استسقاء در مذہب امام اعظم درج، یکدم

ترتیب ادا کرده می شود ؟

۳ - آیا اجتماع مسلمانان جهت استسقاء در مکہ مکرمہ

جای معین دارد ؟

نماز تهجد

تهجد در لغت به معنی شنجیزی و در شرع شریف نمازی است که بعد از نماز خفتن و پس از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق ادا کرده میشود .

نماز تهجد مستحب است . حد اقل آن دو رکعت و اکثر آن هشت رکعت است و بعضی علماء گفته اند که حد اقل آن هشت رکعت میباشد و اکثر آن اندازده ندارد .

وقت نماز تهجد : پس از نماز خفتن و بعد از بیداری از خواب تا قبل از دمیدن صبح صادق است .

نماز تهجد خاص بر آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرض بوده و سغیمه صلی الله علیه و سلم فرموده اند : بزرگان امت بردارند کافران و یارانشان یعنی کسب کنند آن کریم را حفظ کرده اند و آنرا تلاوت

ابن عباس : قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : أشرف أمتي حملة القرآن وأصحاب الليل

می‌نمایند و نماز تہجد را ادا می‌کنند از جمیع
بزرگان امت من شمرده می‌شوند .

تمرین

- ۱ - معنی لغوی و شرعی تہجد را تشریح نماید .
- ۲ - حکم نماز تہجد چیست ؟
- ۳ - وقت نماز تہجد کدام قسمت شب است ؟
- ۴ - حداقل و حداکثر نماز تہجد را بگوئید .

نماز استخاره

استخاره در لغت بمعنی طلب خیر و نیکی است .
و در شریعت دعائی است که بعد از دو رکعت نماز نفل خوانده
میشود .

استخاره برای کاری میباشد که شخص اراده آنرا در زمان آینه
داشته باشد . تا خداوند، خیر یا شر بودن آنکار را برایش القاء نماید .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ
فَضْلِكَ الْعَظِيمِ فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ تَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي
أَوْ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَأَقْدِرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ
إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي
أَوْ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ فَاصْرِ عَنِّي وَاصْرِ عَنِّي وَاصْرِ عَنِّي وَاصْرِ عَنِّي

بنابر این هر آنیکه تولد می شود دارای همین ایمان بوده و آنرا ایمان فطری می نامند چنانچه پیغمبر ص « فرموده اند^(۱) : هر مولود تولد می شود بر فطرت (ایمان فطری) پس پدر و مادرش او را یهودی یا نصرانی و یا مجوسی می سازند .

ایمان کسی : ایمان کسی ایمانی است که کسب بند تعلق دارد . پس کسیکه به اختیار خود بعد از بلوغ ایمان آورد به تحقیق ثابت ماند بر ایمان فطری و اگر کسی کافر شد در حقیقت ایمان فطری را به اختیار خود به کفر بدل کرده است .

(۱) عن ابی هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : ما من مولود الا يولد على الفطرة فابواه يهودانه او ينصرانه او يمجسانه عليه مشكوة . ط ۱

طریقه نماز استخاره :

هرگاه شخصی مؤمن اراده کاری را داشته باشد و در آن متروک باشد طریقه مسنون است که بعد از ادای دو رکعت نفل دعای استخاره را قرائت نماید و زمانی که به لفظ (هَذَا الْأَمْرُ) می رسد مقصد خویش را عوض لفظ الْأَمْر بگوید یا در دل تصور نماید و مستحب است که دعاء استخاره را به حمد و درود آغاز ختم نماید و استخاره در کارهای مباح است نه در کارهای گناه و در عبادات بعضی اوقات جهت تعیین وقت استخاره کرده میشود.

تمرین

- ۱ - استخاره در لغت و شریعت عبارت از چیست ؟
- ۲ - استخاره برای چه نوع کار کرده میشود ؟
- ۳ - طریقه نماز استخاره را بگوئید .

نماز تسبیح

تسبیح در لغت خدا را بپای یاد کردن است
و نماز تسبیح عبارت از چهار رکعت نماز نقلی است که در آن
سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
سه صد مرتبه به دو طریق^(۱) خوانده میشود .

پادرتی (۱) طریق اول نماز تسبیح : چهار رکعت نماز رانیت نموده و بعد از آن
کلمات مذکور را پانزده مرتبه بگوید و نیز بعد از قرائت پیش از رکوع ده مرتبه سبحان
در رکوع ، قومه ، سجده اول ، جلسه و سجده دوم ده ده مرتبه کلمات مذکور را
بگوید چون در سه رکعت بعدی ثناء اعوذ باشد نیست پس در ششم رکعت
رکعت کلمات مذکور را پانزده مرتبه و در ختم قرائت ، رکوع ، قومه ، سجده اول
جلسه و سجده دوم ده ده مرتبه مثل رکعت اول خوانده شود که بدین ترتیب
در هر رکعت (۷۵) مرتبه و در چهار رکعت سیصد مرتبه میشود

نوت : بنزد بعضی علماء رکعت سوم نیز مانند رکعت اول خوانده می شود

طریق دوم نماز تسبیح : در رکعت اول پس از قرائت کلمات مذکور را پانزده مرتبہ بخواند و پس از آن در رکوع ، قنوت ، سجده اول ، جلسہ و سجده دوم و پس از سجده دوم در حالت نشسته ده مرتبہ آنرا بخواند و بیست و یک مرتبہ بعد از قرائت فوق مجموع خواندن کلمات مذکور در ہر رکعت ۷۵ مرتبہ می شود این ہر دو طریق کہ قبلاً بیان کردہ شد در کتاب های احادیث ذکر شدہ است مگر بہتر طریق اول است . و بعضی علماء میگویند کہ بہر دو ترتیب در اوقات جداگانہ خواندہ شود .

و در حدیث شریف فضیلت صلوٰۃ تسبیح بیان کردہ شدہ است . بنی علیہ السلام این نماز را بہ عم خود حضرت عباس (رض) تعلیم نمودہ و فرمودہ بودند کہ خداج ، بسبب این نماز گناہان اول ، آخر ، ظاہر ، باطن ، جدید ، قدیم ، خطا ، عمد ، صغیرہ و کبیرہ ، پنهان ، و آشکار ترا مغفرت مینماید .

تسرين

- ۱ - معنی لغوی تسبیح را بگوئید .
- ۲ - نماز تسبیح چند رکعت است ؟
- ۳ - در نماز تسبیح کدام کلمات سیصد مرتبه خوانده میشوند ؟

تعریف از روزه حکم آن

روزه بای سوم اسلام است که فرضیت آن به قرآن کریم
ثابت شده است .

تعریف روزه : روزه عبارت است از ترک خوردن
نوشیدن و جماع به نیت روزه از صبح صادق تا غروب آفتاب
حکم روزه : بگرفتن روزه ثواب و رضای خداوند حاصل
از دلمه مکلف مافقط میشود و ترک آن عذاب است و منکر آن کافر میگردد .

فضیلت های روزه

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث شریف فرموده اند :
بوی دهان روزه دار بنزد خدا ، از خوشبوئی مشک
خوشبو تر است .

همچنین الله ، در حدیث قدسی فرموده است : روزه خاص
از برای من است و خودم اجر او را میدهم .

در حدیث دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : هر که
از روی عقیده و طلب ثواب روزه ماه مبارک رمضان
را ادا نماید گناهای گذشته وی مغفرت کرده می شود.
همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند : برای روزه دار
دو خوشی است یکی در وقت افطار و دیگری در وقت
طلاقات با پروردگارش .

دیدن ماه رمضان

شب سی شعبان در وقت غروب آفتاب طلب دیدن ماه
رمضان واجب کفائی است .

اگر ماه رمضان دیده شود روزه گیرند و در غیر آن روزه نیست
و اگر آسمان ابری یا غبار آلود باشد . گواهی یک شخص عادل

خواه مرد باشد یا زن کافی است و در حالت صاف بودن آسمان
گواهی جماعت^(۱) عظیم ضروری است و در عیدین در صورتیکه
آسمان صاف نباشد . گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن که عادل
باشند شرط است . و اگر آسمان صاف باشد مانند رمضان گواهی
جماعت عظیم ضروری است .

نوت : در صورتیکه شب سی شعبان به آسمان ابر یا
غبار باشد با وجود سعی در دیدن ماه ، ماه دیده نشد مستحب است
که فردای آن تا قبل از زوال امساک ننماید . اگر کدام
اطلاع معتبر شرعی رسید بالفور نیت روزه نموده و در غیر آن روز
گرفتن لازم نیست و اگر کسی به دیدن ماه رمضان گواهی داد
و گواهی راقضی قبول نکرد روزه داشتن تنها بروی واجب است

(۱) بعضی علماء آنرا پنجاه مرد گفته اند .

و در صورت افطار بروی قضائی است نه کفاره .

معذرت‌های شرعی افطار روزه

۱ - ترس زیادتِ مرض : اگر مریض بگمان غالب خویش از روی تجربه یا به گفته طیب حاذق مسلمان که فسق آن آشکار نباشد از زیادتِ مرض خویش متیرسد برای او جائز است که روزه را افطار کند و در وقت صحت قضائی آنرا بگیرد .

۲ - خوف نقصانِ حمل (طفلیکه در شکم باشد) : اگر زن حامله می‌ترسد که روزه گرفتنش به طفلیکه در شکم دارد ضرری رساند روزه را افطار نموده در آئینه قضائی آنرا بگیرد .

۳ - اگر شیر دهند بر خود یا طفل شیر خوار خویش از روزه گرفتن احساس ضرر میکند روزه را افطار

نماید و باز قضائی آنرا بگیرد .

۴ - سفر : اگر کسی مسافر بود بسفر شرعی در صورتیکه نیت همان روز را نکرده باشد جائز است که روزه را افطار نماید و قضائی آنرا بیاورد . لیکن اگر برای مسافر روزه گرفتن دشوار نباشد بهتر است که روزه بگیرد .

۵ - شیخ فانی بودن : شخصی کلام سالیکه تواند

روزه را ندارد و در آینده نیز امید قدرت آنرا نداشته باشد و بیماری که امید صحت نداشته باشد رواست که افطار نماید و در بدل هر روز فدیة (خورد کم بچار ک گندم یا نیم پاو کم نیم سیر جو یا قیمت هر یکی از آنها) بدهد .

نوت : اگر شیخ فانی یا مریض در آینده به روزه گرفتن قادر شد قضائی بیاورد و اگر قبلاً فدیة داده باشد فدیة مذکور نفل میگردد .

۶ - گرسنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر روزه دار آنچنان گرسنه شد که ترس مرگ او بود روا است روزه را افطار و باز قضائی بیاورد .

۷ - تشنگی که در آن ترس هلاکت باشد : اگر کسی بجدی تشنه شد که از آن ترس مرگ باشد روا است روزه را افطار و آنرا قضائی بیاورد

۸ - اگر کسی کاری را مجبور کردن : اگر کسی با افطار روزه مجبور کرده شود روا است روزه را افطار کند و قضائی آنرا بیاورد .

۹ - جهاد : مجادیه که در مقابل دشمن قرار دارد و عمل داشته باشد که جنگ با دشمن اسلام واقع میشود پس بسبب خوف ضعفش در مقابل دشمن روا است که روزه را افطار نماید و باز قضائی آنرا بیاورد

قُلْ إِنَّمَا أَعِزُّوا إِلَهُكُمْ أَلَمْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ قَوْلَ الْإِسْلَامِ
 سوره حجرات آیه ۱۴
 فرق بین ایمان و اسلام

فرق بین ایمان و اسلام از طریق لغت است نه از لحاظ تحقق
 زیرا که ایمان لغتاً : عبارت از تصدیق^(۱) است .
 و اسلام لغتاً : عبارت از تسلیم^(۲) است .

-
- (۱) محل آن قلب و ترجمانی آنرا زبان میکند .
 (۲) محل آن قلب ، زبان و اندام ها ، که به هر یک از تصدیق قلب ، اقرار
 و تسلیم اندام ها لفظ اسلام صادق می شود .

شکننده های روزه

دو قسم اند :

الف - آنکه تنها قضائی روزه لازم می شود .

ب - آنست که قضا و کفار هر دو لازم می شود .

الف : شکننده هاییکه موجب قضا اند قرار ذیل اند :

۱ - شکستادن روزه در صورت اکراه .

۲ - تیر شدن آب در وقت مضغه بدون قصد در حالیکه روزه را بیاد دارد .

۳ - قصد اعادة (فرو بردن) قی .

۴ - قصد ا به پری دهن قی نمودن .

۵ - خوردن سنگریزه ، و یا چیزیکه ماهیت غذایی نداشته باشد .

- ۶ - فرو بردن آن چیزی که در دندانها باشد بعد از کشیدن
بزبان اگر برابر دانه نخود یا زیاده از آن باشد
۷ - چکانیدن روغن دیتیل در گوش که بدماغ برسد
۸ - فرو بردن خون دهن که بر آب دهن
غالب باشد .

- ۹ - قصد خوردن و نوشیدن در آن صورتی که بهر اموشی
چیزی را خورده باشد به گمان اینکه روزه وی افطار شده است
۱۰ - سحری نمودن به گمان اینکه هنوز شب است
مگر در حقیقت صبح دمیده باشد .

- ۱۱ - قصد خوردن روزه غیر رمضان .
۱۲ - افطار نمودن در روزهای ابرو غبار به گمان اینکه
اقتاب غروب نموده است مگر بعد اثبات شد که روز باقی است .

ب : شکننده های که قضا و کفارت را لازم مینماید قرار

ذیل اند :

۱ - بقصد خوردن و نوشیدن غذا و دوا در روز رمضان
مبارک که نیت روزه را کرده باشد . قضا و کفاره هر دو
را لازم مینماید (در صورتیکه عذر شرعی نداشته باشد) .

۲ - در محل شتهی قصد اجماع کردن بر فاعل و مفعول قضا
و کفاره هر دو را لازم مینماید .

قضائی روزه

بر شخصی که قضائی روزه لازم شد بدون ایام ممنوعه هر وقتیکه
قضائی آنرا بیاورد جائز است . مگر بهتر آنست که بدون عذر
تاخیر در قضا نه نماید .

اگر بر ذمه کسی قضاء روزه رمضان سابق باشد و رمضان دیگر
رسید اولاً روزه وقتی را ادا نماید و بعد از گذشتن آن قضائی^(۱)
را بگیرد و مسافر ازین حکم مستثنی است .

اگر کسی روزه نفلی را شروع کرد و آنرا فاسد نمود قضائی آن
واجب است .

(۱) روز اول عید فطر و عید اضحی و روزه ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذوالحجه)

(۲) در بین روزه های قضائی تتابع (پی در پی گرفتن) شرط نیست .

اگر در روز رمضان مبارک صغیر، بالغ و کافر مسلمان شد
در باقی حصه آن روز امساک نمایند و قضائی آن روز بر
آنها لازم نیست .

اگر قضائی روزه بر ذمه کسی باقی بود و فوت شد در صورت وصیت
ادای فدیة آن از مال وی پرورته لازم است و در صورت
عدم وصیت اگر ولی از مال خود تبرعاً فدیة وی را اداء نماید جایز
است و امید میشود که خداوند جبار از آن قبول نماید .

کفاره روزه

کفاره روزه به ترتیب ذیل اداء کرده میشود :

اول : آزاد نمودن غلام یا کنیز .

دوم : در صورت نبودن غلام و کنیز دو ناپی در پی روزه گرفتن .

سوم : اگر طاقت روزه گرفتن دو ناپی نداشته باشد شصت مسکین را دو وقت شکم سیر طعام^۱ ادن یا بهر یک از شصت مسکین فدی^۲ کامل یک یک روزه یا نیت آزا یر داخلن .

(۱) فدی^۱ یک روزه با فدی^۲ صدقه فطر در مقدار فرق ندارد .

تمت

- ۱ - روزه را تعریف نمایید .
- ۱ - حکم روزه چیست ؟
- ۳ - فضیلت های روزه را بگوئید .
- ۴ - اگر آسمان صاف باشد برای ثبوت دیدن ماه رمضان مبارک گواهی چند ضروری است ؟
- ۵ - برای مجاهد کدام وقت افطار روزه رمضان جائز است ؟
- ۶ - شکسته های روزه چند قسم اند ؟ هر یک آنها را تعریف نمایید ؟
- ۷ - اگر بر ذمه کسی قضائی روزه رمضان سابق باشد و رمضان دیگر رسید چه کند ؟
- ۸ - قضا آوردن روزه در کدام ایام جائز نیست ؟
- ۹ - ترتیب کفاره روزه را شرح نمایید .

اعتکاف

اعتکاف در لغت بمعنی حبس و درنگ کردن است و در شریعت عبارت است از درنگ کردن به نیت اعتکاف باروزه داشتن در مسجدی که در آن پنجوقت نماز بجماعت خوانده میشود . و اعتکاف سه قسم است : واجب ، سنت ، مستحب .

۱ - اعتکاف واجب : آن اعتکاف را گویند که شخص از ابرئیس خویش نذر نماید مثلاً شخصی نذر نمود که خاص برای خدا (ج) سه روز اعتکاف می نشینم یا گوید اگر فلان حاجت من روا گردد من برای خدا (ج) دو روز اعتکاف مینمایم که این اعتکاف اعتکاف نذری هم میگویند .

۲ - اعتکاف سنت : آنست که درده روز آخر رمضان

مبارک معمول می باشد (که از وقت غروب آفتاب روز
 بیستم ماه مبارک رمضان شروع و بجز در دیدن ماه عید فطر
 تمام میشود) و این اعتکاف سنت مؤکده کفائی است
 (به کردن بعضی اهل قریه از ذمه دیگران ساقط میشود) .
 ۳ - اعتکاف مستحب : بجز اعتکاف واجب و سنت دیگر
 تمام اعتکافها مستحب است .

شرایط صحت اعتکاف :

- ۱ - اسلام .
- ۲ - پاکی زن از حیض و نفاس .
- ۳ - عقل .
- ۴ - نیت .

۵ - مسجد برای مردان .

۶ - روزه ^{بیشتر}ین

۱ - اعتکاف را تعریف نمایند

۲ - اعتکاف چند قسم است هر یک را

نام بگیرید ؟

۳ - شرایط صحت اعتکاف را شرح دهید .

نوت :

زنان در خانه های خویش در جائی که برای نماز انتخاب نموده اند اعتکاف نمایند
و پاکی از جنابت شرط شروع اعتکاف است آن دوام آن زیرا که اگر در اعتکاف محکم میشوند غسل نموده
و اعتکاف را دوام میدهند مگر حیض . نفاس و جماع اعتکاف را فاسد مینمایند .

چنانچه به منافق ظاهراً مسلمان گفته میشود زیرا که در ظاهر خود را
مسلمان معرفی می کند مگر در باطن مسلمان نیست زیرا
بدل تصدیق ندارد .

و « حقیقت ایمان بدون اسلام و اسلام بدون ایمان
موجود نمیشود زیرا که ایمان عبارت از اقرار و
تصدیق به الوهیت خداست . »

و اسلام عبارت است از تسلیم و گردن نهادن
به اوامر الله جل جلاله .

چون اقرار و تصدیق بدون تسلیم و تسلیم
بدون تصدیق و اقرار موجود نمیشود پس معلوم گردید که در
میان تحقق ایمان و اسلام تلازم است .

شهید

وَاللّٰهُ يَتَّبِعُ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٠﴾ اَمْ تَأْتِلُّوا بِهٖمْ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ﴿١٩١﴾ وَنَسُوْنَ اٰيَاتِ اللّٰهِ وَرُسُلَہٗٓ اُولٰٓئِكَ يَكُوْنُ لَہُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿١٩٢﴾

ترجمہ :
و مرده گمان مکن کسی را که کشته شدند در راه خدا؛ بلکه زنده اند
به نزد پروردگار خویش روزی داده بشوند

تعریف شہید : شهید در لغت بمعنی شایسته و حاضر است
و در شریعت عبارت است از کسیکه :
الف : کشته باشد او را کافران .

(۱) جهت حضور او به نزد پروردگار خود یا شهید بمعنی مشہود است از نیکو ترانہ شہادت به جنت داده شده
است و یا ملائکہ وقت مرگش برای عزت و اکرام او حاضر می باشند .

ب : یافته شده باشد در میدان جنگ و بر بدن وی نش
قتل (زخم، برآمدن خون از جایی که عادتاً از آنجا خون
خارج نشود) باشد .

ج : قتل نموده باشد او را مسلمان ظلماً و لازم نشده باشد
به قتل وی در اول وقت دیتة .

حکم شصید : کفن کرده شود در لباس و خون خویش
و آنچه در بدن او از جنس کفن نباشد مثل سلاح، موزه و غیره
شیده شود و زیاد کرده شود در کفن او اگر از اندازه سنت
کم باشد و کم کرده شود اگر زیاد باشد، غسل داده شود نماز جنازه بروی
خوانده شود .

و غسل داده شود اگر در حالات ذیل کشته شده باشد :

جنابت ، حیض ، نفاس ، صفارت ، دیوانگی ، زنده نقل
داده شده باشد از میدان جنگ ، وصیت کرده باشد

پسری را خورده یا نوشیده باشد، تداوی کرده باشد،
بگذرد بروی وقت یک نماز و هوشیار باشد،
خرید و فروش کرده باشد، زیاد سخن گفته باشد (۱).

(۱) و تاخیر مذکور در جریان جنگ واقع نشده باشد اگر در جریان جنگ واقع
شده با غسل داده نشود. و اگر در شهر مقتول یافته شد و معلوم نباشد که ظماً به
الاحبار کشته شده یا به حد و قصاص درین صورت برای او غسل و نماز جنازه مردود است.

و بیچگاه شده نمیتواند که یک شخص مسلمان باشد و مؤمن نباشد
یا مؤمن باشد و مسلمان نباشد بلکه شخص مسلمان مؤمن است و شخص
مؤمن مسلمان است .

تمرین

۱ - معنای لغوی و اصطلاحی ایمان را بیان کنید .
۲ - اگر کسی بزبان اقرار نماید و بدل تصدیق نکند
چهرایش گفته می شود ؟

۳ - ایمان فطری کدام ایمان را میگویند ؟
۴ - ایمان کسبی را تعریف نمائید .
۵ - فرق بین ایمان و اسلام چیست ؟

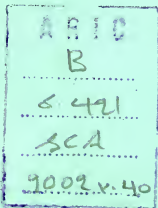
که چهل است موصوف نمگردد .

۴ - کلام (سخن گفتن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» کلام

است یعنی خداوند «ج» متکلم است بدون آلات و حروف و کلام او تعالی مانند کلام مخلوقات نیست زیرا که آنها بدون آلات و حروف سخن گفته نمیتواند و خداوند «ج» به ضد کلام که گنگ بودن است — موصوف نمیشود و قرآن کریم کلام ازلی خداوند است

۵ - سمع (شنیدن) : یکی از صفات ذاتی خداوند «ج» سمع بوده یعنی الله تعالی سمیع است تمام آوازه و سخنان آهسته بلند ، سخنهای نیک و بد مخلوقات به سمع ازلی خود می شنود به سخنان نیک آنها را ثواب و به سخنهای بد آنها عذاب میدهد .
و خداوند «ج» بضد سمع که ضمیمه (در بودن) است موصوف نمیشود

شماره	عنوان	صفحه
۱۶	خداوند، ج. مثل و شریک ندارد	۳۰
۱۷	تمرین	۳۱
۱۸	ملاک	۳۲
۱۹	تمرین	۳۴
۲۰	کتاب آسمانی	۳۵
۲۱	قرآن کریم	۳۷
۲۲	ترتیب نزول قرآن کریم	۳۸
۲۳	تمرین	۳۹
۲۴	مشرک، ملحد، منافق، زندیق، مرتد، دهری	۴۰
۲۵	تمرین	۴۲



ناشر:



موسسه تحويل كننده: سويډن
و بازار مشترك اروپا (EC)

سال چاپ: ۱۳۷۸ هـ.ش

تعداد: ۳۷۹۲

طبع: Rehmat Printing Press

دولت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

عقاید و فقه

صنف پنجم

مؤلف: مولوی غلام عیسی

دولت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

عقاید و فقه

صنف پنجم

مؤلف: مولوی غلام عیسی

سال ۱۳۷۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما برای معلم

- ۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را با خود داشته باشد.
- ۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که در این مورد دقت نماید.
- ۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.
- ۴- معلم صاحب باید با لباس پاک داخل صنف شود.
- ۵- برای معلم لازم است تا در وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.
- ۶- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحيم بگوید.
- ۷- معلم صاحب باید با در نظر داشت مقوله «كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ عَقُولِهِمْ» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.
- ۸- معلم صاحب برای تدریس خوبتر فضای مساعد را در صنف آماده سازد.
- ۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.
- ۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.
- ۱۱- معلم صاحب باید وظیفه، خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و آنها را به اشتباهات و غلطیهای شان متوجه سازد.

- ۱۲- برای معلم صاحب لازم است که حاضری شاگردان را بگیرد.
- ۱۳- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.
- ۱۴- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید.
- ۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید.
- ۱۶- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.
- ۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس و بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد.
- ۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفهء خانه گى بدهد و آن را ملاحظه و اصلاح نماید.
- ۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی «سنگ ریزه ها» گل، دانه، جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب - و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارتنها، نقشه ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد.
- ۲۰- برای معلم صاحب لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده جرأت سؤال نمودن از شاگردان سلب نگردد.
- ۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه های خود نقل و در آن حل نمایند.

فهرست عناوین عقاید شریف

شماره	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	۰
۲	ایمان	۱
۳	ایمان فطری و ایمان کبی	۴
۴	فرق بین ایمان و اسلام	۶
۵	تمرین	۸
۶	معرفت الله «ج»	۹
۷	اولین بناء اسلام	۱۲
۸	دلایل عقلی بوجود الله «ج»	۱۴
۹	دلیل امام اعظم «ج» بر وجود خدا «ج»	۱۶
۱۰	تمرین	۱۸
۱۱	صفات خداوند «ج»	۱۹
۱۲	فرق بین صفات خالق و مخلوق	۲۶
۱۳	تسمین	۲۷
۱۴	خداوند «ج» جسم و جوهر و عرض نیست	۲۸
۱۵	خداوند «ج» از جهت و مکان منزّه است	۲۹